



دوره هفتم تقیینه

جلسه ۱۴۲

صورت مشروح

مذاکرات مجلس

(بدون مذاکرات قبل از دستور)

یکشنبه ۹ شهریور ماه ۱۳۰۹ - ششم ربیع الثانی ۱۳۴۹

قیمت اشتراك سالیانه
 داخله : ۱۰ تومان
 خارجه : ۱۲ تومان

مطابعه مجلس

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز يك شنبه ۳ شهریور ماه ۱۳۰۹ هـ (۶ ربيع الثاني ۱۳۴۹)

فهرست مذاکرات

- | | |
|--|--|
| ۱) تصویب صورت مجلس | ۵) تقدیم ۵ فقره لایحه از طرف وزارتین امور خارجه و اقتصاد ملی |
| ۲) تصویب ۶ فقره مرخصی | ۶) طرح و تصویب لایحه معافیت صدور غله از عوارض |
| ۳) بقیه شور دوم لایحه بانک فلاحتی و تصویب آن | ۷) موافقت و دستور جلسه بعد - ختم جلسه |
| ۴) تقدیم يك فقره لایحه از طرف وزارت داخله | |

مجلس يك ساعت و چهل دقیقه قبل از ظهر بریاست آقای دادگر تشکیل گردید

[۱ - تصویب صورت مجلس]

صورت مجلس روز سه شنبه چهارم شهریور ماه را آقای مؤید احمدی (منشی) قرائت نمودند

[تصویب ۶ فقره مرخصی]

- | | |
|--|---|
| رئیس - آقای فیروز آبادی | رئیس - چند فقره راپرت از کمیسیون عرایض و |
| فیروز آبادی - قبل از دستور | مرخصی رسیده است قرائت میشود |
| رئیس - در صورت مجلس نظری نیست (گفته شد - | خبر مرخصی آقای مفتی |
| خیر) صورت مجلس تصویب شد | آقای مفتی نماینده محترم تقاضای ۶۵ روز مرخصی |
| جمعی از نمایندگان - دستور | |

عین مذاکرات مشروح یکصد و چهل و دومین جلسه از دوره هفتم تقنینیه . (مطابق قانون ۸ آذرماه ۱۳۰۵)

دایره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

- اعضای غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده است :
- غائبین با اجازه - آقایان : ملک آرائی - امیر ابراهیمی - قراکوزلو - انسر - فرخی - محمد ولی میرزا - بیات ماکو - شهداد - عدل - سید مرتضی وثوق - اعظم زنکنه - حاج میرزا حبیب الله امین - فرشی - مصباح فاطمی
 - غائبین بی اجازه - آقایان : میرزا حسنخان وثوق - دکتر طاهری - پوشهری - مسعود - شریعت زاده - چشمدی - حاج رحیم آقا - میرزا ابوالفضل - آقا رضا مهدوی - حاج حسین آقا مهدوی - شیخعلی مدرس - حاج حسن آقا ملک - تهور ناش
 - دیر آمدگان با اجازه - آقایان : نجومی - روحی - سید کاظم یزدی - دشتی - آشتیانی - هراقی - حکمت - ذوالقدر
 - دیر آمدگان بی اجازه - آقایان : فولادوند - اسدی - قوام - مسعود

برای انجام امور محلی نموده اند از تاریخ حرکت و کمسیون هم با مرخصی ایشان موافق و خبر آنرا تقدیم میدارد:

رئیس - آقای زوار

زوار - موافق

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده همین قدر میخواهم به آقایان اعضاء محترم کمسیون عرایض عرض کنم توجه داشته باشید اواخر مجلس است و خیلی قوانین داریم و طوری نشود که مجلس از اکثریت بیافند توجه نفرمائید که در مرکز هستند بلکه این عده که حاضر برای خدمت هستند ملاحظه کنید اگر این عده را ملاحظه کرده اید در کمسیون عرایض بنده عرضی ندارم ولی اگر این را در نظر نگرفته اید توجه به این مسئله داشته باشید که يك دفعه مجلس از اکثریت می افتد و يك قانونی که خیلی مورد توجه است معطل می ماند.

زوار - کمسیون عرایض کاملاً در نظر دارد که چون آخر دوره است مراعات بکنند که مجلس از اکثریت نیفتد خاطر نمایندگان محترم را مستحضر میسازم که کاملاً این نکته را در نظر گرفته است و بعلاوه آقای مفتی در این موقع خدمات عمده را در نظر دارند که تصور میکنم تشريف بردنشان برای مملکت مفید تر است تا اینکه اینجا تشريف داشته باشند.

رئیس - موافقین با مرخصی آقای مفتی قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد خبر مرخصی آقای حیدری قرائت میشود:

خبر مرخصی آقای حیدری

آقای حیدری نماینده محترم تقاضای ۵۵ روز مرخصی برای انجام امور محلی از روز حرکت نموده اند و کمسیون با مرخصی ایشان موافق و خبر آنرا تقدیم میدارد

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده نظریاتم در عرایضی که می کنم چه در این مرخصی ها یا غیر مرخصی ها از نقطه نظر اصلاح حال مردم و مملکت می باشد که عرض میکنم

خوب است آقایانی که مرخصی میخواهند مقداری از حقوقشان را تخصیص بیک کار خیری بدهند به يك مریضخانه بدهند که در عهد این ها زمان اینها دوره اینها هر چند امید داریم این ترتیبی که هست همه دوره آقایان وکیل بشوند ولی خوبست يك قدری از حقوقشان را تخصیص به يك کار خیری بدهند که از برای خودشان باقی مانده باشد امروز باید با زندگی فقرا تا اندازه مراعات کرد اینها بی دوا و بی غذا وقتی مریض میشوند و می میرند بخصوص مردمان دهات ما نمی توانیم این چیزها را به لایقیدی نگاه کنیم و همه روزه توجه به این قضایا نکنیم و در امور شخصی خودمان اهمیت بدهیم

ارکانی - البته نصایح و مواعظ آقای فیروز آبادی را باید تقدیس کرد و همه آقایان نمایندگان و رفقا باید امتنان بکنند از فرمایشاتشان ولی این ربطی بموضوع مرخصی ندارد آقای حیدری برای وضعیات محلی و اصلاح مزاجشان تقاضای مرخصی کرده اند امیدوارم شما هم موافقت فرمائید و این مرخصی تصویب شود

رئیس - موافقین با مرخصی آقای حیدری قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد خبر مرخصی آقای آصف قرائت می شود.

خبر مرخصی آقای آصف

آقای فرج الله خان آصف نماینده محترم برای انجام پاره امور محلی تقاضای دو ماه مرخصی از روز حرکت نموده و کمسیون با مرخصی ایشان موافقت کرده و خبر آنرا تقدیم میدارد

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - عرض کردم همان عرایضی را که سابق کردم مکرر عرض میکنم یعنی خلاصه آنرا و استدعا میکنم توجهی بحال مردم بشود و نباید باین بی علاقه گی باشیم و به عقیده من هر کسی هم خدمتی بخواهد بکند باید اینجا بکند که مردم بدانند فلانکس فلان عمل خیر را چه مملکت

کرده بجهت انجام کارهای خیر تنها این کافی نیست اگر کسی توانست راستی يك کارهای خوبی بجهت این ملت این مملکت بکند باید پشت این تربیون گفته شود

ملك مدنی - عرض کنم چون آقای فیروز آبادی معتقدند که هر کس خدمتی میکند باید تظاهر باشد بنده هم باین جهت این عرض را میکنم (شاید خود آقای آصف هم راضی نباشند) ایشان در کردستان برای مریضخانه و مؤسسه شیرو خورشید يك اقداماتی می کرده اند و يك مبالغی از سرمایه خودشان را برای آنجا تخصیص داده اند حضرتعالی وکیل طهران هستید حضرت عبدالعظیم هم پشت دروازه طهران است هر روز هر اقداماتی که میفرمائید اینجا تذکر میدهید اگر يك وکیل در ولایات در محل خودشان مریضخانه یا مدرسه تأسیس کرد بنا نیست که هر روز بیاید اینجا پشت تربیون وقت مجلس را بگیرد که من این نیت خیر را کرده ام همه نمایندگان که اینجا حضور دارند هیچ تردیدی نیست که همه دارای این نیت هستند. ولی البته بنده حاضر نیستم اگر خواستم يك کمکی بکنم پولم را از ولایات بیاورم خرج حوزه انتخابیه حضرتعالی بکنم البته مردم آنجا هم استحقاق دارند زیرا در مملکت ما مؤسسات خیریه لازم است و احتیاجات هم زیاد است ولی هر کس باید در دسترس خودش اقدام بکند و آقایان نمایندگان کردستان و آقای آصف هم همیشه هر موقع مرخصی گرفته اند از نقطه نظر احتیاجی بوده که مجلس هم ایجاب کرده است و هیچ وقت هم میل نداشته اند مجلس را ترك کرده باشند یا برای تفنن و هوا خوری و گردش بروند و ایشان هم فعلاً يك احتیاجی پیدا کرده است که الزام کرده است ایشان مسافرتی بکنند این است که تقاضای مرخصی کرده اند

رئیس - موافقین با مرخصی آقای آصف قیام فرمائید (اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد خبر مرخصی آقای جمشیدی قرائت می شود

خبر مرخصی آقای جمشیدی

آقای جمشیدی نماینده محترم تقاضای چهل و پنج روز مرخصی از تاریخ حرکت نموده اند و کمسیون با مرخصی ایشان موافقت نموده و اینك خبر آنرا تقدیم میدارد

رئیس - آقای دکتر سنك

دکتر سنك - موافق

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - من تعجب میکنم آقای ملایری صحبتی فرمودند مثل اینکه هر کس وکیل ملایر شد نباید برای طهران کار کند و حقوق تنها ملایر را باید حفظ کند در صورتیکه اینطور نیست ما باید حقوق افراد ملت و مملکت را در هر نقطه از نقاط دنیا هستند حفظ کنیم اگر وکیل این ملت هستم بنده عقیده دارم که باید هر چه میتوانیم کار خیر کار خوب بکنیم شاید این جا بگویند رباکاری کنند عوام فریبی کنند اما عملش را هم نکنند! بلی بنده عوام فریبی می کنم ربا کاری میکنم اما کاری را هم که میکنم اینجا میایستم میگویم

ارکانی - اینجا موضوع از میدان در کردن نیست يك جائی است که حق داده است به نمایندگان محترم که بتوانند استفاده از مرخصی کرده باشند البته اشخاصی که کار دارند کسالت دارند امور محلی شان معوق است باید مرخصی بدهند و کمسیون هم مساعدت بکند و اجازه بدهند که کارهایشان را انجام بدهند خوب البته اگر کسی بتواند همراهی کند با فقرا در هر نقطه از نقاط باید بکند اخلاقاً و شرعاً این صلاح است و باید بکند اما آقای جمشیدی یکی از عناصر صالحه و اشخاصی هستند که همیشه خدمت کرده اند و در این دوره ابداً مرخصی نگرفته اند وضعیات محلی ایجاب کرد که ایشان چند روزی مرخصی بگیرند من خواهشمندم آقا هم موافقت فرمایند که این مرخصی تصویب شود.

رئیس - موافقین با مرخصی آقای جمشیدی قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. خبر مرخصی آقای رحیم زاده قرائت میشود.

خبر مرخصی آقای رحیم زاده

آقای رحیم زاده نماینده محترم بواسطه کسالت تقاضای دو ماه مرخصی از تاریخ حرکت با پرداخت پنجاه تومان برای مقبره خیرام نموده کمیسیون موافق و خبر آن تقدیم میشود

رئیس - موافقین با مرخصی آقای رحیم زاده قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد خبر مرخصی آقای مجد ضیائی قرائت میشود

خبر مرخصی آقای مجد ضیائی

آقای مجد ضیائی نماینده محترم تقاضای چهار روز مرخصی از تاریخ حرکت نموده اند و کمیسیون محترم با مرخصی ایشان موافقت کرده و خبر آنرا تقدیم میدارد

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده مخالفتم همان عرابی است که کردم و حالا مکرر نمیکنم ولی چیزی که هست امیدوارم دوره های بعد آقایان و کلا عرابی بنده را در نظر داشته باشند و رعایت کنند - الا که اهمیت نمیدهند

رئیس - آقای وثوق

وثوق - این مخالفتها را آقای فیروز آبادی مکرر فرموده اند و جواب هم مکرر شنیده اند آقای مجد ضیائی هم از اول دوره مرخصی درخواست نکرده اند و حالا هم بواسطه يك کار لازمی است که مرخصی خواسته اند استدعا میکنم موافقت فرمایند و تصویب شود

رئیس - موافقین با مرخصی آقای مجد ضیائی قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد.

[۳ - بقیه شور دوم لایحه بانك فلاحی]

رئیس - خبر کمیسیون اقتصاد ملی راجع بانك فلاحی ماده ۱۲ مطرح است :

ماده ۱۲ - هرگاه استعراض کننده مدعی شود که مشمول فقره (ه) از ماده قبل نبوده و وجه استعراضی را برای انجام منظوری که در ضمن قرارداد اعلام

میبدهد که يك طریق عادلانه بوده است که اتخاذ کرده اند که بعد از اینکه منتهی بجائی نمیشود رجوع بحکمیت میکنند و خیلی بحسب فلسفه خوب قاعده ایست برای اینکه متحا کین هر دو دارای يك حس انتقامی هستند و بعد از آن که رجوع دادند بحکم آن حکم دارای آن حس انتقام نیست آن حکم نسبت به این حس انتقام بری است آنوقت است که نزدیک به عدالت حکمی میدهد این نزدیک به فلسفه عدالت است لیکن اینجا ملاحظه فرمائید ما میخواهیم این حکمیت را از طریق عدالت نسبت به قرض دهنده و قرض گیرنده ملاحظه کنیم اگر این نظر را داریم و مقصود دولت هم این است صدر و ذیلش با هم متناقض است چطور؟ در ماده ۱۱ جزء پنجمش مینویسد که بانك بمجردی که از خبره اش یادگیری را برت رسید که پولی را که قرض کرده است از برای زراعت کنتف یا بیشکر پول برای آن صرف نشده است فوراً مطابق جزء پنجم از ماده ۱۱ مینویسد که قرار داد ما ملغی است یعنی قانون از برای او حق داده است فوراً يك مراسله مینویسد که این قرار داد ما ملغی است فوراً مراسله سفارشی می نویسد يك مندرجه که در واقع يك رهائی از برای بانك است دولت در اینجا چه کرده است اینجا در نظر گرفته است که يك حقی هم از برای قرض گیرنده قائل شود آن حق این است که قرض گیرنده حق دارد که بیايد بگوید که شما بواسطه را برت فلان مغرض با غیر حق ندارید و شما نمیتوانید متمسك باین شوید من حق برایم هست من میگویم خیر پول را خرج کرده ام برای زراعت بیشکر یا اینکه فرس ما زور بود انقلاب بود شورش بود من نتوانستم عمل کنم پس آن قرار داد ملغی نیست اینجا وفق که قانون باین حق داد آنوقت بانك و قرض گیرنده هر دو منسوی میشوند مرجع شکایت هر دو حکمیت میشود آنوقت هر دو نسبت به حکم معین کردن علی السویه اند پس دیگر معنی ندارد ما بگوئیم بخارج حکمیت بر آن کسی است که محکوم علیه واقع میشود چرا؟ برای خاطر

اینکه ما در اینجا قضاوت کردیم و این حق را باو دادیم بعد از آنکه قانون این حق را بهش داد آمد ادعا کرد و گفت من صرف کرده ام حالا من فلان کرده ام ما نگفتیم که آمده است دعوی حکمیت میکند حکمیت برای هر دو است برای اینکه مطابق همان حقی که دادند قرض گیرنده حق دارد در مقابل مراسله سفارشی بانك بگوید من پول را در مصرف خودش خرج کرده ام پس در صورتیکه قانون بهر دو حق حکمیت داده من عقیده ندارم که اینجا بیائیم بگوئیم که بگردن او است بر فرض هم که محکوم بشود بر گردن اوست این یکی یکی دیگر اینکه تعیین میزان خسارت با نظر حکم است اینجا هم بنده عقیده ام اینست که آقای وزیر امور خارجه توجه کنند یکی از خسارها حق حکم است يك قانونی ما در مجلس گذرانیدیم که حق حکم معین شده است در آنجا اگر رجوع به آن قانون بشود که اهمیتی ندارد ولی اگر ما بخواهیم بگوئیم که تعیین میزان خسارت با حکم است از آن جهت حق الجعاله حکم ها هیچ کس نمی آید حکم بخواید چرا که آن اخلاق عادلانه هنوز نیست که واقعا ما در هر جا اخلاق عادلانه بخرج داده و ملاحظه عدالت بکنیم اینجا هم باید تعیین کنید که تعیین خسارت غیر از آن حقوق حکمها است و حقوق حکم همان است که در قانونی که از مجلس گذشت است والا اگر این اصلاح نشود يك بی عدالتی خواهد شد و يك قضاوتی را ما میدهم يك قاضی که قمع را بخودش جلب کند این دو موضوع موضوع دیگر آقای محضیر توجه فرمائید کمان می کنم این لفظ (که) در اینجا زائد است نوشته است چنانچه حکم ها در ظرف مدت حکمیت موافق نظر راجع بموضوع حکمیت پیدا نکردند باید حکم ثالثی انتخاب نمایند که رأی او قاطع اختلافات خواهد بود باید (و) باشد نه (که) بالاخره خوب است صدر و ذیل عبارت را تحت نظر بگردید و قتیکه حق و عدالت دادیم که رجوع شود بحکمیت بقیه بنده خسارت در هر دو صورت بر هر دو طرف است .

کرده بمصرف رسانده و یا مدعی باشد که تخلف او بعلم فرس ما زور بوده است موضوع اختلاف به حکمیت ارجاع میشود - حکم مدیون بایستی در ظرف هشت روز از تاریخ مراسله سفارشی مذکور در فقره (ه) ماده فوق تعیین شود و در اینصورت بانك نیز حکم خود را در ظرف هشت روز از تاریخ معرفی حکم مدیون خواهد کرد حکمها باید در ظرف دو ماه رای خود را اعلام نمایند مدت حکمیت ممکن است بنظر حکمها بکدامه تمدید یابد مدت تمدید بیش از دو ماه نباید باشد چنانچه حکم ها در ظرف مدت حکمیت موافق نظر راجع بموضوع حکمیت پیدا نکردند باید حکم ثالثی انتخاب نمایند که رای او قاطع اختلاف خواهد بود در صورتیکه در انتخاب حکم ثالث بین حکمین موافق حاصل نشود حکم مزبور از بین شش نفری که در ابتدای تشکیل جلسه حکمیت (سه نفر از طرف حکم بانك و سه نفر از طرف حکم استعراض کننده حکمیت تعیین شده اند) بوسیله قرعه انتخاب خواهد شد حکم ثالث باید در ظرف یکماه تصمیم خود را اعلام نماید

بخارج حکمیت بعهده تقاضا کننده حکمیت خواهد بود مگر در صورتیکه تصمیم دیگری از طرف حکمها در این خصوص اتخاذ شود

در هر حال محکوم له ادعای خسارت وارده بر خود را از محکوم علیه خواهد داشت تعیین میزان خسارت بسته بنظر هیئت حکمیت است .

حق دعوی خسارت یکماه پس از ابلاغ رأی حکمیت در اصل دعوی ساقط خواهد شد .

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - يك توجه بمسائل کتابی و تاریخی

ما را را میدارد در يك موضوعاتی وارد شویم و شاید بنظر هم ابهامی نباشد ولی این ماده را که بنده توجه میدهم خاطر محترم آقای وزیر امور خارجه صدر و ذیلش با همدیگر مشوب است مسئله حکمیت يك مسئله ایست که شاید تاریخ بشر خیلی قبل از این هم شهادت

که حکمیت هیچ خرجی نداشته باشد چنانچه بنده خودم حکم واقع شده ام یا يك اشخاص دیگری و هیچ خرجی هم از بابت این حکمیت بر عهده هیچ طرف واقع نشده یعنی ما هیچ حق الزحمه برای خود قائل نشدیم ولی ممکن است مواردی اتفاق بیفتد که حکم ها يك اشخاصی باشند که حاضر نباشند چنانکه کار کنند (آقا سید یعقوب - صحیح است) یعنی حقا البته کار دارد میگوید اگر میخواهید من يك اوقاتی را مصروف کار شما بکنم از کار باز میمانم و پول میخواهد با اینکه اگر حق الزحمه هم نخواهد بسا هست که بعضی عملیات باید کرد خبره باید فرستاد تحقیقات باید کرد معاينه باید نمود خوب اینها البته خرج دارد حکمیت بسا هست که خرج ندارد ممکن هم هست که خرج داشته باشد بانك که میگوید من تقاضای حکمیت ندارم من میگویم تخلف کردی پولم را پس بده آن طرف قبول ندارد حق این است که آنطرف بدهد میگویند تصفیف کنند لصفش را او بدهد و لصفش را بانك چرا آن بانکی که به عقیده خودش حرف حسابی میزند چرا باید قبلاً محکوم باشد در صورتیکه تقاضای حکمیت ندارد قبلاً محکوم باشد يك خرجی بکنند ولیکن ما هم که قبول کردیم اگر بعد معلوم شد بانك اشتباه کرده بود یا مسامحه و لاپالیگری کرده بود و روی يك راهپورت بی مأخذی اقدام نموده بود گفتیم که خسارت بدهد یعنی هر خرجی بگردن آن آدم گذاشته اعم از مخارج حکمیت یا مخارج خسارات دیگر باید از عهده بر آید بانك هم معتبر است نکته این جا است که بانك معتبر تر از اشخاص است و هر وقت محکوم شد اطمینان حاصل است که محکومیت او اجرا میشود یعنی چیزی که باید از او گرفته شود گرفته میشود طرف دیگر مردم هستند که گرفتن پول از آنها اعم از اینکه وجه استقراری باشد یا خسارت باشد اشکال دارد زحمت دارد. امنای ادارات دولت بزحمت خواهند افتاد. خوب اگر میفرمائید بانك قبلاً بدهد یا کلاً یا بعضاً ولو این که لصفش را بدهد عرض کردم مورد ندارد. یا اینکه

کفیل وزارت اقتصاد ملی (آقای فروغی) - اصلاح عبارتی که در قسمت آخر فرمودید خیلی صحیح است قبول دارم و آقای غنبر هم قبول میکنند ولی اما در خصوص مسئله حکمیت بنظر بنده اشکالی ندارد و این اشکالی که میفرمائید وارد نیست زیرا که چنانچه سابقاً هم اینجا مذاکره شده است بانك اطلاع پیدا میکند که شخصی که قرض کرده است بوظائف خودش عمل نکرده است یعنی وجهی را که گرفته بصرفی که تمهد کرده بود نرسانده البته چنانچه در جلسه گذشته توضیح دادم بانك هم چون میدانند که بالاخره يك خساراتی گریبان گیر خودش هست بی کددار بآب نمیزند و بمجرد يك راهپورت بی مأخذی متعرض مردم نمیشود لابد بعد از آنکه دید واقعا یا مسلم شد بر او باطن قوی حاصل کرد که این راهپورت صحیح است و آن شخص از وظیفه خودش کوتاهی کرده اقدام میکند از برای اینکه بانطرف بگوید که شما تخلف کردید و مطابق قانون باید تنایج او را تحمل کنید باز هم همان طوری که عرض کردم بسا هست آن کسی که باو اخطار میکنند آدم عاقلی است اگر واقعا تخلف کرده باشد میگوید بی شده است حالا چه باید کرد و تنایجش را هم تحمل میکند ولیکن ممکن است که با واقعا خودش را ذبح میگرداند یا اینکه آدم کجی است بد بختانه این قسم مردم هم در دنیا فراوانند آدم کجی است و خیال میکند صرف نباید زیر این بار رفت و شاید پیش برود آنوقت با بانك طرف میشود ناچار کار بحکمیت میرسد پس اینکه میفرمائید تقاضای حکمیت را قانون گفته است و میتوان گفت که خود بانك هم این تقاضا را داشته است این را بنده نمیتوانم تصدیق کنم برای اینکه بانك بعقیده خودش روی صحت يك حرف صحیحی میزند و مورد محاکمه هم نمیداند مطلب را و عقیده اش اینست که باید اینطور باشد پس در حقیقت تقاضای حکمیت را همان طرف مقابل خواهد کرد و در اینجا است که مجبوریم بگوئیم از آنطرف هم بسا هست

میفرمائید بانك اشتباه کرده که آنجا خسارت میدهد و اگر اشخاص محکوم شدند هیچ چیزی را نباید بدهد و چرا باید او را بزحمت انداخت که برود دنبال يك اشخاصی که با کمال زحمت بیاید پول از آنها وصول کند و اما اینکه میفرمائید مخارج حکمیت جزء خسارات نباشد خوب این يك ظلمی است که بآن اشخاص میفرمائید در صورتیکه ذبح باشند اگر بنده که با بانك طرف هستم اگر احياناً من ذبحی بودم و مخارجی تحمل کرده بودم که من جمله از آنها مخارج حکمیت باشد چه باید کرد نباید ارزش گرفت مخارج حکمیت را پس در اینصورت به عقیده بنده مطلب آشکار است و جای این اعتراضاتی که میفرمائید نیست. بهتر همین است که بگوئیم در اول امر مخارج حکمیت را آنکسی که تقاضای حکمیت کرده است که البته همیشه طرف مقابل است و استقراری کننده است او بدهد خسارات دیگری اگر وارد آمد بجای خود در آخر اگر معلوم شد که آن شخص ذی حق بوده تمام و کمال را چه مخارج حکمیت و چه خسارات دیگری که باو وارد آمده است بانك باید بدهد. و اگر ذبحی بود يك جریمه باید بدهد و نمیشود گفت که بانك را ملزم کنیم بدهد چون فلان آدم اشتباهاً یا عناداً نخواسته است زیر بار حرف حساب برود

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده در موضوع این ماده دو اشکال دارم و عقیده دارم این ماده طوری نوشته شود که این دو اشکال مرتفع شود یکی این است که در این ماده نوشته اگر بنده رفتم و پولی از بانك قرض کردم که کنتف بکارم آمدم بعضی پیش آمده ها شد که پنبه بکارم و آمدم پول کنتف را صرف پنبه کاری کردم در صورتیکه پنبه کاری هم یا اصلح از او است یا مساری او است بموجب این ماده من باید جریمه شوم و مسئولم پول را بدهم و محکوم شوم. این را بنده عقیده ندارم عقیده ام این است قسمی نوشته شده که اگر پولی قرض شد

به بانک بگوید بانک آنجا دائر است و قرارداد هم که وحی منزل نیست که نشود او را تغییر داد میگوید این قرضی که من کردم برای پنبه کاری امروز می بینم پنبه کاری مساعد نیست آنوقت که من این مطالعات را کرده بودم پارسال بود و حالا وضعیات مقتضی نیست صرفه ندارد باید ابریشم کاری کرد و زراعت کتف کرد و لازم است این مساعدت را بانک با من بکنند که این قرضی را که کرده ام باین مصرف برسانم. بانک هم که حاضر و آماده است و غرضی هم ندارد اگر واقعاً این آدم حق دارد و مصلحت بداند این کار را بکنند تجدد میکند مانعی ندارد پس این موضوع را تصور میکنم حاجت نداریم در قانون يك چیز مخصوصی برایش بنویسیم - اما موضوع دیگر هم به عقیده بنده محل حاجت نیست که چیزی در قانون در این باب نوشته شود. اینجا دیگر مسئولیت کاملاً بمهمه خود بانک است از جهت اینکه بانک باید امانای خودش را خوب انتخاب کند و اگر خوب انتخاب نکند ضرری بر او متوجه شد باید خودش تحمل کند و مسئول است و البته يك مواقعی هست چنانچه در آن قسمت عرض کردم ممکن است بانک هم امتحانات خودش را درباره اعضا کرده باشد ولی معذلك كله بیک علتهاى اشتباهی شده باشد و يك شخص نا حسابی در میان اعضا بانک پیدا شود و باو ضرر زند بانک البته حق دارد اعضای خودش را مسؤول قرار دهد نمیشود گفت مسؤول در مقابل آن اشخاص نالك که طرف بانک هستند عضو بانک باشد در مقابل آنها مسؤول خود بانک است. اگر یکی از اعضای بانک کاری کرد که بمن ضرری وارد آمد مرا حواله نکند که با آن آدم بروم طرف بشوم من با بانک طرف میشوم و خسارتم را میگیرم بانک اگر سهل انگاری کرده و اعضای بد انتخاب کرد باید خسارات را هم بدهد در هر صورت بانک بیشتر قدرت دارد که آن اشخاص را مسؤول قرار داده و ضرر خودش را قبول کند بنابر این بنده حاجت نمی دانم.

رئیس - پیشنهادی از آقای آقا سید یعقوب رسیده قرائت میشود:
پیشنهاد میکنم در ماده ۱۲ سطر ۳ با آخر ماده مانده عوض کلمه (که) نوشته شود و رأی الخ مخبر کمیسیون اقتصاد - قبول میکنم
رئیس - دولت هم موافق است؟
کفیل وزارت اقتصاد ملی - بلی
رئیس - پیشنهاد دیگری از ایشان رسیده است: پیشنهاد میکنم در ماده ۱۲ در سطر تعیین میزان خسارت اضافه شود غیر از حق الجماله حکمیت الخ رئیس - بفرمائید

آقا سید یعقوب - آخر خسارت را که اینجا بیان میکنید خسارت چند قسم است یکی از جمله خسارت آن حقی است که بحکمها خواهند داد ما يك حق الجماله در قانون حکمیت برای حکمها نوشتیم اگر رجوع بانجا بشود اشکالی ندارد اما اگر رجوع بانجا نشود و خسارت را تحت نظر خود حکمها قرار بدهیم بنده عقیده ندارم و تحت نظر خود حکمها قرار بدهیم از آن جمله حق الجماله اش باشد عقیده بنده این است که وزیر محترم امور خارجه قبول بکنند که حق الجماله حکمها مطابق آن قانون باشد والا اگر مطابق آن قانون نباشد و حق الجماله مطابق میل خودشان باشد بنده عقیده ندارم.

کفیل وزارت اقتصاد ملی - بنده درست منظور آقا را نمیدانم اگر منظور این است که حق الزحمه حکمها را خودشان معین نکنند دیگری معین کند خوب اینجا البته يك قانونی هست ولی بسا هست که حکمها از روز اول از مقداری که قانون معین کرده کمتر بکشند و بسا هست يك چیز دیگر هم هست بنده آن قانون را حاضر الذهن نیستم ندیده ام ولی اگر بنده محتاج هستم بیک آدمی و باو اعتماد دارم و میخواهم حاضر بشود و ار حاضر نشود مگر بیک مبلغ معینی چه باید کرد. اینجا پس بنظر بنده اینقدرها اهمیت لازم نیلواورد.

آقا سید یعقوب - استرداد میکنم.
رئیس - رأی میگیرم بماده ۱۲ با اصلاح پیشنهاد اول آقای آقا سید یعقوب که دولت و مخبر اجابت کرده اند موافقین قیام فرمایند
(اغلب قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد. ماده سیزدهم قرائت میشود ماده ۱۳ - موافقت با عدم موافقت با تقاضای قرض باختیار بانک است و در صورت رد تقاضای استقراض بانک مکلف باقائه هیچ دلیلی نخواهد بود.
رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - اینجا خوب است آقای وزیر امور خارجه توضیح بدهند برای اینکه نظیر اعلانی است که در روزنامه ها و زارتخانه ها میکنند مطابق قانون محاسبات وزارتخانه ها اعلان مناقصه میدهند بعد از آن آخراش يك سطر می نویسند تمام آن مواد را بهم میزنند و می نویسند که وزارتخانه آزاد است اگر بعد از آنکه مزایده را اعلان داد و ورقه در آمد که آن شخص پیشنهاد داده است و مزایده را یا مناقصه را بفلان قدر قبول کرده است باز این جا می نویسد وزارتخانه در قبول کردن آن آزاد است اینجا هم می نویسد که موافقت یا عدم موافقت با تقاضای قرض باختیار بانک است و در صورت رد تقاضای استقراض بانک محتاج باقائه دلیلی نخواهد بود. ما در اینجا آمدیم يك موادی گذرانندیم که قرض کننده این قرض را که میگیرد از برای این امور باشد معین باشد که از برای ایجاد یا توسعه زراعت جای - پنبه - نیل - خنا - و ناس و فلان این مواد را ما معین کردیم که قرض برای این بکنند و اگر هم برای این نیست که مطابق جزء پنجم از ماده ۱۱ فوراً بر میدارد بانک يك مراسله روانه میکند که چون تکردی ملغی و هیچ حق اقامه دلیل هم نیست اگر میخواهد حکم معین کند بعد از آنکه ما اینهمه اختیار باو دادیم و هنوز هم (آقای وزیر امور خارجه کاملاً مستحضر است) اخلاق فاضله در تمام افراد ما نیست که اعمال غرض یا نظرهای خصوصی نکنند يك بیچاره است

بباید بنویشد بوزارتخانه که فلان آدم را ما تشخیص دادیم که قنار باز است با پول قرض ندادیم. این محظورات هم در کار هست بنا بر این بعقیده بنده لزومی ندارد. جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است رئیس - پیشنهادی از آقای طهرانی رسیده است قرائت می شود.

مقام منبع ریاست محترم دامت عظمته پیشنهاد میکنم ماده ۱۳ حذف شود.

رئیس - بفرمائید

طهرانی - عرض کنم بنده گمان میکنم هیچ محتاج باین ماده ۱۳ نباشیم البته دولت نظرش از تاسیس این بانک فلاحی کمکی است بزراعت و فلاح خوب یک تقاضائی مردم میدهند اگر بانک صلاح و جایز میدانند میدهند و الا نمیدهد ولی با این ترتیب اصل خود این ماده تولید اشکال میکند بنده عقیده ام این است که اگر یک ماده اضافه شود بجای این ماده که یک فرجه داده شود که در ظرف ده روز یا از ده روز بانک جواب مردم را از رد و قبول بدهد که بانک مدتی مردم را معطل نکند که اگر قبول میکنند یا نمیکنند تکلیفش معلوم شود بانک مختار است در رد و قبول البته مختار است احتیاجی باین ماده نیست از اینجهت بنده پیشنهاد حذف ماده را میکنم

اعتبار (مخبر کمیسیون اقتصاد ملی) - بنده گمان میکنم که خوب است آقایان طرف قضیه را هم توجه بفرمائید اشخاصیکه پیشنهاد میدهند بالاخره بانک روی یک دلائلی که پیش خودش است اطلاعاتی که پیش خودش است بان اشخاص نمیخواهد پول قرض بدهد و تقاضای آنها را رد میکند برای آنها چه مانعی است که بیاوند بوزارت مالیه شکایت کنند بمجلس شکایت کند که بانک بما پول قرض نداد تبعیض کرد حق کسی کرد برای جلوگیری از همچو وضعیتی بنده عقیده ام اینست که صلاح مردم اینست که این ماده باشد که اگر چنانچه یک پیشنهادی را بانک قبول نکرد خیال آن آدم راحت باشد تشبث و زحمتی بخودش ندهد و آن قسمتی را که فرمودید

اصلاح کنیم و بانک را مکلف کنیم که در ظرف ده بازده روز جواب رد یا قبول را بدهد اینهم بعقیده بنده یک قید غیر لازمی است برای اینکه البته بانک یک مؤسسه را برای این کار معین خواهد کرد که هر پیشنهادی که می آید مطالعه کند و ممکن است در مدت کتبی یعنی در ظرف پنج روز جواب بدهد.

رئیس - آقایانیکه پیشنهاد آقای طهرانی را قابل توجه میدانند قیام فرمایند... (طهرانی - استرداد میکنم) استرداد کردید (طهرانی - بلی) رأی میگیریم بماده ۱۳ موافقین قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده چهارده قرائت میشود: ماده ۱۴ - شعبه بانک فلاحی مجاز است برای بستن سد های مفید و ایجاد آب و همچنین برای توسعه محصولات مذکوره در ماده (۴) و ایجاد صنایع مفیده فلاحی شرکت های سهامی تشکیل داده تمام یا قسمتی از سرمایه آن را بپردازد اقدامات مذکوره در این ماده مشروط بتصویب قبلی وزارت اقتصاد ملی است

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - عرض کنم بنده هیچوقت مایل نیستم که دولت خودش شخصا چه مستقیم و چه غیر مستقیم داخل معاملات و کار های آب و زراعت و غیره بشود میفرمایند که این جا میتواند وزارت اقتصاد یک تشکیلاتی بدهد...

احتشامزاده - بانک است

کازرونی - بله بانک. بانک یعنی دولت فرق نمیکند. بانک یک تشکیلاتی بدهد برای یک کارهایی و یک مبلغی از پولش را خودش بدهد پس این جا اجازه میفرمائید که یک کارهای اقتصادی از قبیل زراعت و غیره خود بانک کرده باشد پس بنده عقیده ام این است که مآلاً بصرفه بانک و بالاخره دولت نیست. ابدأ وظیفه نباید داشته باشد بانک که خودش وارد مطالعه و عمل در این جور موارد و امور بشود. بلکه بایستی مردم را تشویق و ترغیب

بکنند و وظیفه اش همان استقرامن دادن است این عقیده بنده است **کفیل وزارت اقتصاد ملی** - این عقیده که میفرمائید دولت نباید تجارت کند کاملاً عقیده خود بنده است و یقین بدانید که دولت هم این عقیده را دارد و بهمین دلیل است که ما این ماده را گذاشته ایم برای همین منظور است برای این است که معلوم بشود که بانک دولت نیست اداره دولت نیست عرایض بنده در موضوع این بانک از اول تا آخر اصرارم در مقابل آقایان این بود که توجه بفرمائید این اداره دولتی نیست شرايطی که برای یک اداره دولتی میشود منظور داشت درباره این نباید نظر داشت و شرايطی که درباره ادارات دولتی است در این جا نباید منظور داشت بله باطن فکر ایشان را بنده هم موافقم که این جا بطور غیر مستقیم دولت نکند یعنی بعبارة آخری سرمایه را دولت داده تصدیق میکنم بنده ولی اگر ممکن بود این کار را هم نکنیم و بکلی تجارت زراعت فلاح را بگذاریم ب مردم و خود مردم بکنند اگر حوائج ایجاد نکرده بود که دولت یک شرکتی در این کار بکند و لو بطور غیر مستقیم بنده کاملاً موافقت می کردم و خیلی هم متاسفم که ما مجبور شده ایم این کارها را بکنیم ولی خودتان تصدیق می فرمائید که مملکت ما امروز طوری است و وضعیاتی که مجبور است دولت در امور اقتصادی یک دخالت ها و کارهایی بکند و حالا حتی الامکان این مداخلات را میخواهیم بطور غیر مستقیم بکنیم بنا بر این بانک باید اداره دولتی نباشد مؤسسه تجارتي باشد ملاحظه می فرمائید اینجا هر روز از بنده یا مؤاخذه می شود یا تذکر داده می شود که فلان کارخانه چطور شد. چرا این را در مجلس شورای ملی علناً بطور عتاب و خطاب میگویند آن کسی هم که می گوید خوب غرضی ندارد تصور میکنم که غرضی ندارد پس لازم میدانند که دولت در این خصوص کاملاً مراقبت و اقدام کند یا چرا کارخانه قند سازی را می خواهیم کترات به بندیم برای این است که یا مردم عملش را ندارند یا سرمایه اش را ندارند پس در این

جا و در این موقع دولت باید خودش اقدام کند و حالا که باید اقدام کند پس بطریق تجارتي بشود نه اینکه یک اداره یک مدیر دارد یک نبات دارد یک منشی دارد بیاید کارخانه قند سازی را اداره کند اینکه نمیشود پس این است که ما وسیله قرار دادیم شرکت را برای پیشرفت یک مقاصدی که همه آقایان دارند.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - آقایانیکه با کفایت مذاکرات...

یاسائی - بنده مخالفم

رئیس - بفرمائید

یاسائی - عرض میشود بنده فقط سؤالی دارم این جا یک عبارتی نوشته است که (شعبه بانک مجاز است برای بستن سد های مفید و ایجاد آب و همچنین برای توسعه محصولات مذکور در ماده ۴) این عبارت بنده نمیدانم برای اشخاصیکه میخواهند ایجاد بکنند و استفاده بکنند کافی است یا تیر و شامل آن قسمت ها هم میشود یا نه چون بالاخره ایجاد آب که نیست استفاده از یک آبهای موجوده است. اشخاصی ممکن است شرکت تشکیل بدهند اقداماتی بکنند و کمک بخواهند از بانک فلاحی برای این که در رود کارون استفاده از آب بکنند و اراضی خودشان را مشروب بکنند و بعقیده بنده قسمتی را که بانک فلاحی باید بیشتر متوجه باشد همان قسمت اراضی خوزستان و استفاده از آب کارون است خواستم به بینم اگر این عبارت برای مقصود دولت کافی است که هیچ و الا یک عبارتی اضافه شود که این معنی را بدهد **کفیل وزارت اقتصاد ملی** - گمان میکنم که این عبارت کافی است و اگر درست توجه بفرمائید تصدیق میفرمائید که این اشکال وارد نیست مقصود از ایجاد آب خلق آب که مقصود همان نیست ما خالق آب که نمیتوانیم باشیم آب که هست ایجاد آب که میگویند در اصطلاح علم ثروت و اقتصاد یعنی چیزی را که محل استفاده نیست محل استفاده قرار بدهند آن میشود ایجاد بنا بر این قنوت دایر کردن یا سد بستن اینها با اصطلاح ایجاد آب است سد بستن که حقیقه آب را ایجاد نمیکند بلکه آب را از این طرف بآن طرف میبرد اینها همه اصطلاح

است در صورتیکه سد هم که می بندند برای همین منظور است که آب را جمع کنند و بمصرف برسانند
رئیس - حالا مذاکرات کافی است؟ موافقین با کفایت مذاکرات قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. پیشنهاد آقای آقاسید یعقوب: پیشنهاد میکنم در ماده ۴ کلمه (تمام یا) حذف شود.
آقاسید یعقوب - اجازه میفرمائید توضیح بدهم

رئیس - بفرمائید

آقاسید یعقوب - در این جا نوشته است (شرکت های سهامی تشکیل داده تمام یا قسمتی از سرمایه آن را بدهد) اگر بنا شد که شرکت سهامی را تمام سرمایه آن را خود بانک بدهد دیگر شرکت نیست چون خود شعبه فلاحت تشکیل میدهد مگر اینکه شما توضیح بدهید که تمامش را اول میدهد بعد سهامش را میفروشد این را توضیح بدهید والا از اول تمام پولش را شعبه بانک بدهد این شرکت دیگر تشکیل نشده است و من برای اینکه آقای وزیر توضیح بدهند این پیشنهاد را عرض کردم که بعد از آنکه شرکت تشکیل شد تمام پولش را میدهد پس از آن سهامش را بمردم میفروشد این عیبی ندارد

کفیل وزارت اقتصاد ملی - البته معنی شرکت هم همین است اگر بنا بشود تمام سرمایه را خود بانک بدهد و کسی در اود خالتی نداشته باشد که شرکت مخصوص نیست ولی بانک یک شرکتی تشکیل میدهد برای این موضوع حالا اگر مردم شرکت نکردند و تمام سرمایه را مجبور شد که خودش بدهد معذک آن بعنوان شرکت خواهد بود یعنی نفع و ضررش در کارها متوجه خودش خواهد شد. اگر صد هزار تومان هم مصرف کرد برای کارخانه قندسازی آنوقت اگر ضرر یا نفع کرد هرچه هست از آن صد هزار تومان است والا اگر شرکت نکنند و یک شرکت جداگانه مخصوصی از این بانک تشکیل بدهند آنوقت تمام سرمایه

رئیس - رأی میگیریم بماده چهارده موافقین قیام فرمایند

(اکثر برخاستند)

رئیس - تصویب شد. ماده پانزده قرائت میشود
ماده ۱۵ - بیان سالیانه شعبه بانک فلاحی باید همه ساله تهیه و منتشر شود

رئیس - آقای آقاسید یعقوب

آقاسید یعقوب - بنده با آقای مخبر و آقای وزیر هم عرض کردم و خواستم استدعا کنم این کلمه بیان را بردارند و بنویسند صورت حساب یا خلاصه حساب همینطور که در قوانین دیگر هم نوشتیم در قانون بانک هم نوشتیم کلمه بیان را هم در این جا مرحمت بفرمایند بر دارند.

رئیس - پیشنهادی هم از آقای مجد ضیائی رسیده است قرائت میشود

مقام محترم ریاست دامت شوکتیه در ماده ۱۵ پیشنهاد میکنم عوض کلمه بیان نوشته شود میزان دخل و خرج سالیانه.

کفیل وزارت اقتصاد ملی - بنده متأسفانه سابقه را درست در خاطر ندارم از اینکه در قوانین گذشته اگر مبتلا شدند بلفظ بیان چه کرده اند ولی عقیده شخصی خودم را عرض میکنم در صورتیکه بنده خودم خیلی طرفدار زبان فارسی هستم و خیلی هم میل دارم که زبان فارسی تکمیل و خوب بشود و گمان میکنم آقایانی هم که اطلاع داشته باشند میدانند در این باب اهتمام هم میکنم ولی یک چیز را هم باید عرض کنم که زبان های تمام دنیا ممکن نیست جامد بشوند بهمان الفاظی که خودشان دارند و قطعاً محتاج باستقراض هستند ملاحظه میفرمائید ما هر چه پیش میرویم در زندگانی و ترقیاتی که میکنیم قهراً یک الفاظی را ناچاریم اختیار کنیم تلگراف تلفن سینما نوکراف تریبون کابینه اینها یک الفاظی است که فارسی نبوده این الفاظ وقتی که آمد در زبان فارسی و طوری شد که مردم فهمیدند فارسی میشود (بعضی از نمایندگان - صحیح است) این

را نباید گفت خارجی است این فارسی است بیان یک کلمه ایست که معنای خاص دارد. و حالا یک کلمه کوتاه مفیدی را بجوایم تبدیل کنیم بیک اصطلاحی که دو سه لفظ داشته باشد این چه حسی دارد. یکی اینکه یک لفظ کوتاه است یکی اینکه چندین معنی دارد یکی دیگر اینکه در همه زبانهای دنیا هست و میفهمند و اسباب سهولت کار است و بنظر بنده هیچ عیبی ندارد که این لفظ را هم استعمال کنند.

رئیس - موافقین باین پیشنهاد آقای مجد ضیائی قیام فرمایند (چند نفری قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد. رأی میگیریم بماده پانزده موافقین قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده شانزده قرائت میشود.
ماده ۱۶ - این قانون ده روز پس از تصویب بموقع اجرا گذارده میشود.

رئیس - اشکالی ندارد؟

جمعی از نمایندگان - خیر

رئیس - موافقین با ماده ۱۶ قیام فرمایند (اغلب برخاستند)

رئیس - تصویب شد. مذاکره در کلیات است.

جمعی از نمایندگان - مخالفی ندارد

فیروز آبادی - بنده مخالفم

رئیس - بفرمائید

فیروز آبادی - بنده خیلی تشکر میکنم از دولت که درصد برآمد بانک ملی بانک فلاحی تشکیل بدهد که اسباب آسایش مردم خواهد بود و این بانک فلاحی در صورتیکه تمام معنی عمل شود خیلی اسباب ترویج فلاحت و تشویق فلاحت خواهد شد اگر چه این نکته هم نگفته ماند که این بانک برای فلاحین نتیجه ندارد چیزی که نتیجه میدهد برای صاحبان املاک است جهت فلاحین و رعایا فایده ندارد کسی باو قرض نمی دهد کسی باو کمک نمیکند و بهمان

توضیح سابقش خواهد ماند ولی وقتیکه صاحب ملک پولدار شد فایده‌اش را هم باز رعیت میدرد از این جهت خوبست اما در صورتیکه دولت اینقدر در صدد تشویق و ترویج فلاح است باید در صدد صادرات او هم باشد که صادرات هم پیدا کند امروز فلاح ایران نسبت بسابق خیلی خوب شده است مثلاً پنبه ایران امروز خیلی خوب ماشین می‌شود میوه‌جات امروز ایران به صورت کالیفرنیا خوب در می‌آید و خوب تهیه می‌شود.

کنند و چنانکه می‌بینید امروز میوه جات ایرانی در هر دکان بقالی ریخته بچه صورتهای خوبی و نمی‌خرند بهر شکلی که ما در یاوریم نمی‌برند و الا هیچ قسم از صادرات ایران چه در کتیراش و چه در اقسام دیگر میوه جاتش از قبیل سبزه قیسی همه بصورت خوب در آورده‌اند و باز برده نمی‌شود باید یک فکری کرد بعد از این بانک فلاحی باید در این خصوص فکری کند که رعایا و صاحبان املاک چیزهایی را که تحصیل و تهیه می‌کنند صادرات پیدا کند والا میوه‌جات را درست بکنند قیسی‌ها را درست بکنند کتیرا را درست بکنند و هیچکس نبرد ضرر مملکت افزوده می‌شود بنده اینها را تذکر می‌دهم و امیدوارم یک تربیتانی بکنند استخراج معادن و تأمین کارخانجات را در نظر بگیرند این بهترین چیزها است امروز در مملکت اگر آن دو چیز صورت نگیرد تمام زحمت و صادرات ما بی نتیجه است مثل اینکه چندی است زحمت می‌کشیم در صادرات و نتیجه نمی‌بریم در تسعیر زحمت می‌کشیم هیچ نتیجه نمی‌بریم پس ما باید ایجاد کارخانجات را در نظر بگیریم و استخراج معادن را مد نظر قرار دهیم

و دولت هم در مد نظر بگیرد ملت هم همراهی کند نه اینکه مثل کبریت آذربایجان باشد دولت هم وقتی که به بیند ملت نمی‌خرد او هم کمک نکند و کارخانه باین خوبی ازین برود بانساجی اصفهان خدای نخواست ازین برود یا مال یزد و کرمان ازین برود اولاً ملت باید سعی کند در خریدن و استعمال آن و هر روز یک عیبی یک ایرادی در امتعه وطن خودش پیدا نکند امتعه وطن خود را بچشم خوب و بالظر حسن تلقی کند و آنرا تشویق کند که کارخانجات ازین برود مثل کارخانه کبریت سازی آذربایجان هم که ما مضایقه بکنیم و یک شاهی پول خودمان را بکبریت آذربایجان ندهیم و همه را بکبریت دیگری بدهیم اینها را تذکر میدهم که انشاء الله ملت هم در ترویج امتعه خودش سعی بکند تشویق بکند و دولت هم نسبت با توجه کرده و مشوقش شود و هر کسی از پی این قبیل کارها رفت او را تشویق بکند و دماغ او را نسوزانند و اذیتش نکنند تا آنها هم روز بروز در کارهای صنعتی و فلاحی و کارهای خوب جدیت بکنند و بیفزایند

رئیس - کافی است

جمعی از نمایندگان (کافی است)

رئیس - موافقین باقانون بانک فلاحی ورقه سفید خواهند داد (اخذ و استخراج آراء بعمل آمد ۷۵ ورقه سفید تعداد شد) رئیس - عده حاضر ۸۲ با کثرت ۷۵ رأی تصویب شد

اسامی رأی دهندگان - آقایان ملک مدنی - دشتی - طهرانی - طالشخان - عباس‌میرزا فرمانفرمایان - بالیزی - نجومی - رفیع - مؤید احمدی - فرمند - آقا سید کاظم بردی - زوار - ملک زاده - فهیمی - ذوالقدر - دکتر لقمان - طباطبائی وکیل - حکمت - قوام - بزرگ‌نیا - نوخت - الفت - ظفری - دربانی - آقا امین پور حسن - نواجوی - آقا زاده سبزواری - حاج سید محمود - ده‌انی - امیر تیمور احتشام زاده - کیا نوری - جلانی - مجد ضیائی - کفائی - وهاب زاده - شریعت زاده - کازرونی - دیوان‌بیک - میرزا محمود خان ناصر - عراقی - حاج غلامحسین ملک - آقا سید حسین آقایان - آقا سید مرتضی وثوق - جردی - هراز - حاج آقا حسین رهبری - بیات - لاریجانی رحیم‌زاده - اسدی - موقر - شریفی - میرزا عبدالحسین خان دیا - محمد آخوند - مفتی - آقا سید ابراهیم ضیاء - اسعد - مولوی - آشتیانی میرزا یانس - افغمی - یاشائی - امیر دولتشاهی - آیه الله زاده شیرازی - دکتر عظیم‌آقا سید یعقوب - سهرابخان ساکتیان - قاضی نوری - حبیبی - نکدار - اعیان - سعودی - محمد علمبردار دولتشاهی - طباطبائی دنیا

[۵ - تقدیم یک فقره لایحه از طرف وزارت داخله]
رئیس - آقای معاون وزارت داخله فرمایشی دارید معاون وزارت داخله - بی برای اداره سیاسی نظمی به اضافه اعتباری لازم است که چون محل اعتبارش در بودجه نظمی است هیئت دولت هم تصویب کرده‌اند لایحه است که برای اجازه و تصویب آن تقدیم میکنم [۶ - تقدیم ۵ فقره لایحه از طرف وزارت امور خارجه و اقتصاد ملی]

رئیس - آقای وزیر امور خارجه فرمایشی داشتید وزیر امور خارجه و اخیل وزارت اقتصاد ملی - دو فقره لایحه است از وزارت امور خارجه که تقدیم مجلس شورای ملی میکنم یکی راجع است بقرار دادی که دولت ایران بسته است با دولت آلمان راجع بحفظ و صیانت علائم صنعتی که باید بتصویب مجلس برسد و یکی هم یک قرار داد بین المللی است که چند سال قبل دربارسلون (که یکی از بنادر اسپانیاست و خاطر محترم آقایان مسبوق است) منعقد شده است راجع بتسهیلات عبور و مرور ترانزیت که آنها نسبت بتجارت ایران مفید شمرده شده است و نمایندگان ما امضاء کرده‌اند و مجلس شورای ملی هم باید تصویب بفرمایند سه فقره لایحه هم از طرف وزارت اقتصاد ملی پیشنهاد به مجلس شورای ملی میکنم و هر چند که بنده خودم طرفدار این نیستم که لوایح در مجلس شورای ملی بعجله و فوریت بگذرد ولیکن بدلیل چند می‌خواهم نمائندگان از آقایان نمایندگان محترم که توجه کنند این سه فقره لایحه را بفوریت بگذارند و دلیلش هم این است اولاً وقت ما کم است مجلس شورای ملی رو باقتضاء است این مجلس که منقضی شد قهراً یکمدهتی فترت واقع میشود برای انتخابات و آقایان نمایندگان هم بعضی مسافر شده‌اند و کمیسیون اقتصاد هم گاهی اوقات بانواسطه باشکال منعقد می‌شود و اگر بنده تقاضای فوریت نکم ممکن است که این لوایح که فوریت دارد در بونه اجمال بماند ولی دلیل اصلی این است که این لوایح خیلی مختصر است و وجوب و ضرورت آنها خیلی واضح است بمحض اینکه قرائت

بکنند آقایان تصدیق می‌فرمایند که این یک چیزی نیست که نه مطالعات زیاد لازم داشته باشد و نه کمیسیون رفیق لازم داشته باشد علاوه از اینکه دو فقره از آنها هم خرج است و اصلاً یک فوریت آنرا نظامنامه اجازه داده است و بنده تصور میکنم که اگر در همین مجلس اینها را آقایان مطرح کنند و بگذارند خیلی متشکر می‌شوم و فراموش کردم که اظهار تشکر بکنم از آقایان نمایندگان محترم در گذراندن لایحه بانک فلاحی که واقعاً خیلی اسباب امتنان بنده شد این هم اسباب مزید امتنان بنده خواهد شد یکی از آنها راجع است باینکه نظر دارند آقایان همچنین هیئت دولت به اینکه صادرات مملکت را تسهیل بکنند یکی از موادی که ما می‌بینیم ممکن است از برای این مملکت صادرات بشود و اگر چنانچه خیلی هم نشود باز یک چیزی است که صادرات ما کمک میکند آن غله است و ما اگر یک غله زیادی در بعضی نقاط داشته باشیم در سرحدات و اینها بیرون برود هیچ عیبی ندارد و ما میخواهیم که غله را از عوارض صدور معاف کنیم ملاحظه می‌فرمایند چندان مذاکره زیادی لازم ندارد دو لایحه دیگر متخصصی است متخصص چینی و متخصص اروپائی برای جای آنها تصدیق می‌فرمایند که چایکاری الحمدلله رو بترقی است و خیلی هم مهم است از برای ما و هر چه سعی بکنیم در ترقی آن خیلی خوب است و استخدام هم یک چیزی نیست که مطالعات لازم داشته باشد ما مطالعاتش را کرده‌ایم و در بودجه وزارت اقتصاد هم خرجش منظور است محلش هم هست یک خرج جدیدی از برای دولت نیست باین ملاحظه است که عرض میکنم اگر موافقت بفرمایند با فوریتش ضرری ندارد.

کازرونی - نسبت بقسمت اولش فوریت دارد که صدور کندم باشد [۷ - طرح و تصویب لایحه معافیت صدور غله از عوارض] لایحه دولت ساحت محترم مجلس مقدس شورای ملی یکی از مهمترین وسایل اصلاح وضعیت اقتصادی.

ترویج صادرات اجناس ایران بخارجه است در نتیجه مطالباتی که بعمل آمده معلوم میشود که غله بواسطه فراوانی و عدم احتیاجات داخله در هذاه السنه تنزل قیمت فاحش نموده در صورتیکه وسایل صدور آن بخارجه فراهم شود ممکن است مقدار معتناهی صادر شود ولی چیزی که بیش از همه صادرات غله را مشکل کرده است خرواری پانزده قران عوارض کزاف کمرک و باج راه است و برای رفع این محذور مواد ذیل برای تصویب تقدیم میگردد.

ماده اول - از تاریخ تصویب این قانون صادرات کندم و جو ایران بخارجه از پرداخت یکمن یکشاهی حقوق خروجی و یکمن دوشاهی عوارض راه معاف خواهد بود.

ماده دوم - وزارت مالیه مأمور اجرای این قانون میباشد.

رئیس - در متن لایحه تقاضای فوریت نفرموده‌اید؟
وزیر امور خارجه - در متن خیر. در مجلس عرض کردم.

رئیس - فوریت اول مطرح است مخالفی ندارد؟
(گفته شد خیر) موافقین با فوریت قیام فرمایند
(اکثر برخاستند)

رئیس - تصویب شد. فوریت دوم مطرح است مخالفی ندارد؟ آقای کازرونی (احازه)

کازرونی - بنده باین لایحه کاملاً موافقم و تا اندازه هم فوریت این لایحه محرز است لکن خواستم يك اصلی را به عرض آقا برسانم که تقاضای فوریت يك امر فوق العاده است این فوریت را در امور عادی و در مواقع عادی استعمال نکنند والا امورات در هم و برهم میشود مثل دو لایحه دیگرشان که بنده تصور میکنم آن اندازه فوریت ندارد و چیز فوق العاده نیست این را بفرمائید بحال خودش باشد.

رئیس - آقای یاسائی

یاسائی - این لایحه بعقیده بنده اگر آقای کازرونی توجه بنظریات آقایان نمایندگان و وجهه که نشان دادند میفرمودند مخالفت نمیکردند چون این لایحه نیست که مطالعات زیادی بخواهد و مفید بحال صادرات ما هم هست.
رئیس - موافقین با فوریت دوم قیام فرمایند
(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. مذاکره در کلیات است و در کلیات مخالفتی نیست

(گفتند خیر)

رئیس - آقایانیکه تجویز میکنند وارد مواد شویم قیام فرمایند

(اغلب برخاستند)

رئیس - تصویب شد. ماده اول:

ماده اول - از تاریخ تصویب این قانون صادرات کندم و جو بخارجه از پرداخت یکمن یکشاهی حقوق و یکمن دوشاهی عوارض راه معاف خواهد بود

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - آقای وزیر امور خارجه توجه بکنند اینجانب نوشته است که بعد از گذشتن این قانون کندم و جو از عوارض کمرکی و عوارض راه معاف است عوارض کمرکی را بنده عقیده نداشتم که نسبت بصادرات داشته باشیم و گمان نمیکنم که قانون هم باین اجازه داده باشد در قسمت راه بنده موافقم اما يك چیزی که خواستم بنده تقاضا کنم این است که خوب بود نوشته شود کندم و جو و عموم بقولات نخودمان لپه مان و چیز های دیگر بقولات را مطلقاً خوب بود که آنها را تمام آزاد کنیم برای خارج کردن باقالات خیلی زیاد است و بنده اطلاع دارم که در ولایات خیلی مانده است تمام بقولات را باید آزاد کنیم نظراً ما تسهیل کردن نسبت به کلیه صادرات است و باید همه بقولات عدس، ماش، نخود، لوبیا همه اینها را آزاد بکنند و هیچ اشکالی ندارد

کفیل وزارت اقتصاد ملی - بله اساساً آقایان حق دارند و آقایان دیگر هم هستند که در اجناس دیگر

این تقاضا را دارند ولی بنده در وزارت اقتصاد ملی این قسمت را مطالعه کرده بودم و با وزارت مالیه و دولت مشاوره کردم و جلب نظر آنها را کردم و حقاً اجازه داشتم که پیشنهاد کنم این چیزها را ولی برای سایر چیزها اگر آقایان نظر داشته باشند ممکن است طرحی تهیه کنند و پیشنهاد بفرمایند یا اینکه حالا تذکر بدهند که بنده یاد داشت کنم تا هیئت دولت و وزارت اقتصاد ملی مطالعه کنند و هر کدام اینها که لازم باشد به مجلس شورای ملی پیشنهاد میکنم و تصدیق میفرمائید که مطلب جنبه مالی هم دارد و بنده اینجا یکقدری برابم مشکل است که از طرف وزارت مالیه و از طرف هیئت دولت این پیشنهادات را قبول کنم

رئیس - آقای بیات

بیات - بنده موافقم

رئیس - آقای فیروز آبادی.

فیروز آبادی - بنده میخواهم پیشنهاد کنم که این لایحه از دستور این جلسه خارج بشود و جلسه روز پنجشنبه با سه شنبه مطرح شود و سایر حبوبات هم ضمیمه شود و تصویب شود

رئیس - این نظر را مرقوم فرمائید. آقای کازرونی فرمایشی دارید؟

کازرونی - بنده مخالف هستم که از دستور خارج شود.

رئیس - این مطرح نیست چون پیشنهاد نکردند در خود ماده بفرمائید.

کازرونی - بنده لازم میدانم که يك تذکری به آقا بدهم که خاطر الاهنشان برای همان بیاناتی که فرمودند و خیلی هم از آن توجهات دقیقه و عمیقه که دولت راجع به صادرات مملکت و بالاخره راجع به اصلاحات امور دارند راستی راستی متشکرم يك قسمت های دیگر هم هست که راستی راستی از جو و کندم بیشتر است مثلاً يك کمرکی از کتیرا گرفته میشود فرق نمیکند

تمام اینها در يك ردیف و يك مرحله واقع است و راستی اگر خوب دقت کنید وقت آرواست که نسبت به يك قلم صادرات که در داخله مملکت هیچگونه مصرف ندارد و بایستی از طرف دولت تمام تشویقات و ترغیبات بجهت صدورش بعمل بیاید در عوض دولت او را جریمه میکند بنده اسمش را جریمه میگذارم و این جریمه برمیخورد بزندانگانی جامعه و دولت در مقابل همان صدی چهار یا کمتر که بعنوان کمرک میگیرد اگر تکبیرد و یکقدری دقت بکنند صدی چهار زیادتر صادر میشود و در مقابل صدی چهار صدی چهار از جاهای دیگر استفاده میکند و دولت نباید از این صدی چهار صرف نظر بکند برای يك صدی چهار و امثال این خیلی زیاد است و استدعا میکنم از حضرت اشرف آقای وزیر امور خارجه که يك دقت بیشتری در این موضوع بکنند و بیشتر از امروز و بیش از پیش ما را متشکر و مرهون خودشان بکنند

کفیل وزارت اقتصاد ملی - در مقابل فرمایشات آقا برای بنده لازم است که يك تذکر لازمی بدهم و فرمایشات آقا هم صحیح است ولی باید همه طرف را در نظر بگیریم میفرمائید که صادرات را دولت جریمه میکند ملاحظه بفرمائید يك جنسی که در خارجه خرواری صد تومان بفروش میرسد اگر دولت از این خرواری صد تومان يك قران عوارض بگیرد و با کمرک چه اثری دارد و چقدر فرق میکند؟ بقدر يك قران میفرمائید که گران میشود خیر آن يك قران را آن کسانی که میخرند خواهند داد. (کازرونی - نیست اینطور) بله باید حق الامکان احتراز کرد از گذاشتن عوارض و کمرک بر صادرات ولی اگر آن عوارض و مالیات را تقسیم بکنند بر قیمت آن جنسی که در خارج بفروش میرود اگر خیلی گران بشود و بخرند البته بدتر است راجع به برداشتن کمرک از کندم که ما پیشنهاد کردیم يك تغییرات زیادی در قیمت میکند مثلاً

در کرمانشاه گندم خرواری پنج تومان است و پانزده قران هم که از آن میکرفتم صدی سی بر قیمت گندم اضافه میشد و آن صدی سی برای گندم تأثیر دارد ولی آن يك تومان که بر آن جنس خرواری صد تومانی که اضافه میشود چندان اهمیتی ندارد

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است
رئیس - رأی گرفته میشود به ماده اول موافقین قیام فرمایند .

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد مادام دوم قرائت میشود :
ماده دوم - وزارت مالیه مأمور اجرای این قانون میباشد

رئیس - مخالفی نیست ؟ (نمایندگان - خیر) موافقین با ماده دوم قیام فرمایند
(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . مذاکره در کلیات است مخالفی نیست . موافقین ورقه سفید خواهند داد
(اخذ و تعداد آراء بعمل آمده هفتاد و يك ورقه سفید تعداد شد)

رئیس - عده حاضرین ۷۸ با اکثریت ۷۱ رأی تصویب شد ✽

وزیر امور خارجه و کفیل وزارت اقتصاد ملی - بعد از تشکر از آقایان نمایندگان محترم دو فقره پیشنهاد دیگر لایحه دیگر بنده پیشنهاد کرده ام و آن دو فقره دیگر هر کدام دو ماده سه ماده است و نمیتوانم از آقایان اینقدر تقاضای خود را زیاد تر بکنم که در این جلسه تمام بشود و وقت هم دبر شده است ولیکن تقاضای بنده این است که با قبول بفرمائید در جلسه آینده فوریتش را رأی بدهند و یا در خلال این دو جلسه کمیسیونها کار خودشان را بکنند که در جلسه آینده بتوانیم این دو لایحه را تمام کنیم

[۷ - موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه]

رئیس - همانطوری که فرمودید وقت گذشته است و طبعاً بجلسه بعد خواهد افتاد و از این فاصله هم ما استفاده میکنیم و کار را در معرض مطالعه میگذاریم و کمیسیون بودجه هم آماده است و برای جلسه آینده که سیزدهم شهریور است همین لوائح حاضر است برای ما و انجام میدهم . اگر آقایان موافقت بفرمائید جلسه آینده پنجشنبه سیزدهم شهریور و دستور بقیه لوائح پیشنهادی

(مجلس يك ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - داد سر

قانون

اجازه تأسیس بانک فلاحی

ماده ۱ - وزارت مالیه مجاز است از سال جاری تا ده سال هر سال مبلغی که کمتر از پانصد هزار تومان نخواهد بود برای تشکیل سرمایه فلاحی بانک ملی تأدیه نماید

ماده ۲ - با سرمایه مذکور شعبه مخصوصی در بانک ملی برای قرض دادن باریاب فلاحی با نام شعبه فلاحی تأسیس خواهد شد

حسابات شعبه مذکوره جدا گانه و مستقل از سایر محاسبات بانک ملی خواهد بود

ماده ۳ - هرگاه دامنه معاملات شعبه مذکوره در فوق باندازه توسعه یابد که تبدیل آن بیک بانک مستقل مقتضی شود اداره بانک ملی باموافقت هیئت نظارت بانک و تصویب هیئت دولت باین امر اقدام خواهد کرد

ماده ۴ - شعبه فلاحی هیچ قرضی نخواهد داد مگر برای انجام یکی از مقاصد ذیل :

۱ - برای دائر ساختن مجاری آبی که بر اثر حوادث خشک شده یا برای بدست آوردن آب تازه (تنقیه قنوات موجوده بدست آوردن آب تازه محسوب نمیشود)

۲ - برای ایجاد یا توسعه زراعت و تحصیل محصولات چای - پنبه - نیل - حنا - روناس - ابریشم - کف - نی شکر - نوتون - تنباکو - پسته - بادام و هر نوع محصولی که وزارت اقتصاد ملی ایجاد و توسعه آنرا در منطقه که ملک استقراض کننده در آنجا واقع است نافع بداند

ماده ۵ - حق العمل قرضهائیکه برای مقاصد فوق داده میشود از صدی چهار نباید تجاوز کند و منافع مزبور باید به اصل سرمایه اختصاصی شعبه فلاحی افزوده شود بانک فقط مجاز خواهد بود مخارجی که برای اداره کردن شعبه فلاحی ضرورت دارد برداشت کند - مبلغی که بعنوان ذخیره احتیاطی برای جبران ضرر های احتمالی باید تخصیص داد نیز جزو مخارج اداری محسوب خواهد شد

تبصره - در صورتیکه برای مخارج مذکوره در فوق صدی چهار کافی نباشد بانک مجاز است حق العمل را تا صدی شش بالا ببرد

ماده ۶ - قرضهائی که برای مقاصد سابق الذکر اعطاء میشود در مقابل وثیقه دادن املاکی خواهد بود که به ثبت رسیده باشد و بر طبق قرار داد هائیکه بین بانک و استقراض کنندگان منعقد و در ثبت اسناد ثبت می شود

ماده ۷ - مبلغ قرض از پنجاه در صد قیمت که خبره های بانک برای ملک معین مینمایند نباید تجاوز نماید

ماده ۸ - نسبت بقرضهائی که مدت آنها بیش از سه سال باشد علاوه بر منافع سالیانه ممکن است مبلغی بعنوان اقساط استهلاك منظور شود

مهدیبین در هر موقع میتواند دین خود را قبل از انقضاء مدت جزءاً یا کلاً بپردازد در اینصورت آنچه از اصل که عملاً تأدیه میشود برای مدت باقیمانده از تأدیه منافع معینه در قرار داد معاف خواهد بود

✽ اسامی رأی دهندگان - آقایان : دشتی - کازرونی - بور حسن - دهستانی - شریفی - قاضی نوری - بالزی - نجومی - موددی - نوبخت - ذوالقدر - آقا سید کاظم پردی - امیر تیمور - ملک زاده - الفت - حکمت - فهیمی - قوام - خواجوی - کلاتی - ظفری - مفتی - ملک مدنی - وهاب زاده - مجد ضیائی - اسدی - هراتی - سهرابخان ساکنیان - مؤید احمدی - امیر دولتشاهی - آقا زاده سبزواری - جلایی - حبیبی - لاریجانی - اعتبار - فرمند - فولادوند - آشتیانی - رحیم زاده - حاج غلامحسین ملک - محمد آخوند - دکتر لقمان - محمدعلی میرزا دولتشاهی - طالبخان - مؤثر - طباطبائی وکلی - ناصری - ضیاء - طهرانی - احتشامزاده - آقا سید یعقوب - عباس میرزا فرمانفرمایان - کباب نوری - بیات - آقا سید مرتضی وثوق - حاج سید محمود - میرزا عبدالعزیز خان دنیا - آیه الله زاده شیرازی - باسانی - دریانی - بنکدار - احمد - آقا حسین آقایان - شریعت زاده - هزار جریبی - هراز - دکتر عظیمیا - بزرگ نیا - حاج آقا حسین رهبری - مولوی - طباطبائی دیا

ماده ۹ - مدت قرض از ده سال نباید تجاوز کند ولی رئیس بانک میتواند با اجازه شورای اداری مدت بیشتری معین نماید و این فقط در صورتی است که برای حصول مقصودی که از استقراض بر طبق ماده (۴) در نظر گرفته شده بیش از ده سال مدت لازم باشد

ماده ۱۰ - در تمام قرار داد هائی که بانک بر طبق این قانون منعقد مینماید باید مسائل ذیل تصریح شود

۱ - منظور از استقراض که باید با مقررات ماده (۴) تطبیق نماید

۲ - مبلغ و مدت قرض

۳ - مبلغی که از استقراض کننده باید هر سال بابت منافع و قسط استهلاك بپردازد

تبصره - سواد مصدق ورقه مالکیت بضمیمه يك نسخه از قرار داد باید در بانک ضبط شود

ماده ۱۱ - در قرار داد استقراض که بین بانک و استقراض کننده منعقد میشود تعهدات ذیل از طرف استقراض کننده باید تصریح شود

الف - هر گاه در موعد معین مبلغی که باید بعنوان منافع سالیانه یا قسط استهلاك تأدیه نماید بپردازد بانک حق دارد به مدیون اخطار نماید که اگر در ظرف یکماه منافع یا قسط مقرر پرداخته نشد دین مؤجل احوال شده و کلیه وجه استقراضی و منافع فوراً قابل استرداد میشود و در اینصورت چنانچه در ظرف شش ماه از تاریخ وصول اخطار نامه سفارشی بانک مدیون کلیه دین خود را پرداخت بانک از طرف مالک وکالت دارد ملک یا قسمتی از آنرا که موضوع وثیقه است بطور مزایده بفروش رسانیده مطابق مقررات قانونی طلب خود را استیفا نماید

ب - اگر در انقضاء موعد سرمایه استقراضی یا قسمتی از آن یا هر نوع بدهی خود را که ناشی از استقراض است تأدیه نکند چنانچه در ظرف یکماه از تاریخ دریافت اخطار نامه سفارشی بانک دین خود را اداء نماید بانک وکالت دارد معادل طلب خود از ملک مورد وثیقه بطور مزایده بفروش برساند

ج - تمام مخارج ناشی از تاخیر در پرداخت دین و یا از فروش املاک بعهده استقراض کننده خواهد بود بابت مخارج مذکوره و یا بابت اصل سرمایه و یا هر دینی که در نتیجه استقراض بعهده استقراض کننده باشد بانک در استیفای طلب خود بر سایر طلبکارانی که وثیقه مخصوصی ندارند (باستثنای دولت نسبت بدریافت عوارض و مالیاتها) حق تقدم خواهد داشت

د - هر گاه در طی مدت استقراض قیمت ملک موضوع وثیقه ۲۰ در ۱۰۰ از ضعف مبلغ استقراضی تنزل نماید بانک حق خواهد داشت اضافه مبلغ قرض را نقداً مطالبه و دریافت کند و یا اینکه وثیقه دیگری بخواهد و در صورت امتناع استقراض کننده و یا عدم دسترسی بوثیقه دیگر بانک میتواند مبلغی از وجه استقراضی را که در مقابل آن وثیقه موجود نیست مطالبه نماید و بیش از سه ماه برای پرداخت مهلت ندهد تقویم خیره های بانک سندیت داشته و غیر قابل اعتراض است

ه - هر گاه وجه استقراضی برای کاری که منظور از استقراض اعلام شده مصرف نشده باشد قرارداد استقراضی طبعاً ملغی میشود و بانک بوسیله مراسله سفارشی تأدیه کل مبلغ بدهی را از مدیون مطالبه نموده و در صورتیکه مشار الیه در ظرف ششماه دین خود را اداء نماید بانک بفروش ملکی که به عنوان وثیقه در دست دارد اقدام خواهد نمود

در مورد این فقره حق العمل از ابتدای استقراض تا روز وصول طلب بانک از قرار صدی دوازده

محسوب خواهد شد

ماده ۱۲ - هر گاه استقراض کننده مدعی شود که مشمول فقره (ه) از ماده قبل نبوده و وجه استقراضی را برای انجام منظوری که در ضمن قرار داد اعلام کرده بمصرف رسانده و با مدعی باشد که تخلف او بعلمت فرس مازر بوده است موضوع اختلاف به حکمیت ارجاع میشود - حکم مدیون بایستی در ظرف هشت روز از تاریخ مراسله سفارشی مذکور در فقره (ه) ماده فوق تعیین شود و در اینصورت بانک نیز حکم خود را در ظرف هشت روز از تاریخ معرفی حکم مدیون معین خواهد کرد

حکمها باید در ظرف دو ماه رای خود را اعلام نمایند. مدت حکمیت ممکن است بنظر حکمها یکدفعه تمدید یابد. مدت تمدید بیش از دو ماه نباید باشد

چنانچه حکمها در ظرف مدت حکمیت توافق نظر راجع بموضوع حکمیت پیدا نکردند باید حکم ثالثی انتخاب نمایند و رأی او قاطع اختلاف خواهد بود

در صورتیکه در انتخاب حکم ثالث بین حکمین توافق حاصل نشود حکم مزبور از بین شش نفری که در ابتدای تشکیل جلسه حکمیت (سه نفر از طرف حکم بانک و سه نفر از طرف حکم استقراض کننده تعیین شده اند) بوسیله قرعه انتخاب خواهد شد

حکم ثالث باید در ظرف یکماه تصمیم خود را اعلام نماید مخارج حکمیت بعهده تقاضا کننده حکمیت خواهد بود مگر در صورتیکه تصمیم دیگری از طرف حکمها در این خصوص اتخاذ شود

در هر حال محکوم له حق ادعای خسارت وارده بر خود را از محکوم علیه خواهد داشت

تعیین میزان خسارت بسته بنظر هیئت حکمیت است

حق دعوای خسارت یکماه پس از ابلاغ رأی حکمیت در اصل دعوی ساقط خواهد شد

ماده ۱۳ - موافقت یا عدم موافقت با تقاضای قرض باختیار بانک است و در صورت رد تقاضای استقراض بانک مکلف باقائه هیچ دلیلی نخواهد بود

ماده ۱۴ - شعبه بانک فلاحی مجاز است برای بستن سدهای مفید و ایجاد آب و همچنین برای توسعه محصولات مذکوره در ماده (۴) و ایجاد صنایع مفیده فلاحی شرکتهای سهامی تشکیل داده تمام یا قسمتی از سرمایه آنرا بپردازد اقدامات مذکوره در این ماده مشروط بتصویب قبلی وزارت اقتصاد ملی است

ماده ۱۵ - بیلان سالیانه شعبه بانک فلاحی باید همه ساله تهیه و منتشر شود

ماده ۱۶ - اینقانون ده روز پس از تصویب بموقع اجرا گذارده میشود

این قانون که مشتمل بر ۱۶ ماده است در جلسه ۹ شهریور ماه ۱۳۰۹ شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید.

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

قانون

معافیت صادرات گندم و جو از پرداخت حقوق خروجی و عوارض راه

ماده اول - از تاریخ تصویب این قانون صادرات گندم و جو ایران بخارجہ ازپرداخت بکمن بکشاهی حقوق خروجی و بک من دو شاهی عوارض راه معاف خواهد بود .

ماده دوم - وزارت مالیه مأمور اجرای این قانون میباشد

این قانون که مشتمل بر دو ماده است در جلسه نهم شهریور ماه یکهزار و سیصد و نه شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر